

خاطرات محله‌ی بی‌بی و نازگل

(این شماره: سالک)



کودکان و شناخت بیماری سالک





دانشگاه علوم پزشکی
و خدمات بهداشتی درمانی کرمان
معاونت بهداشتی

نام اثر: کتابچه آموزشی فاطرات مقله‌ی بی‌بی و تازکل (بیماری سالک)

نویسنده: معصومه مظفری

تصویرگر: مهین شومراز زاده

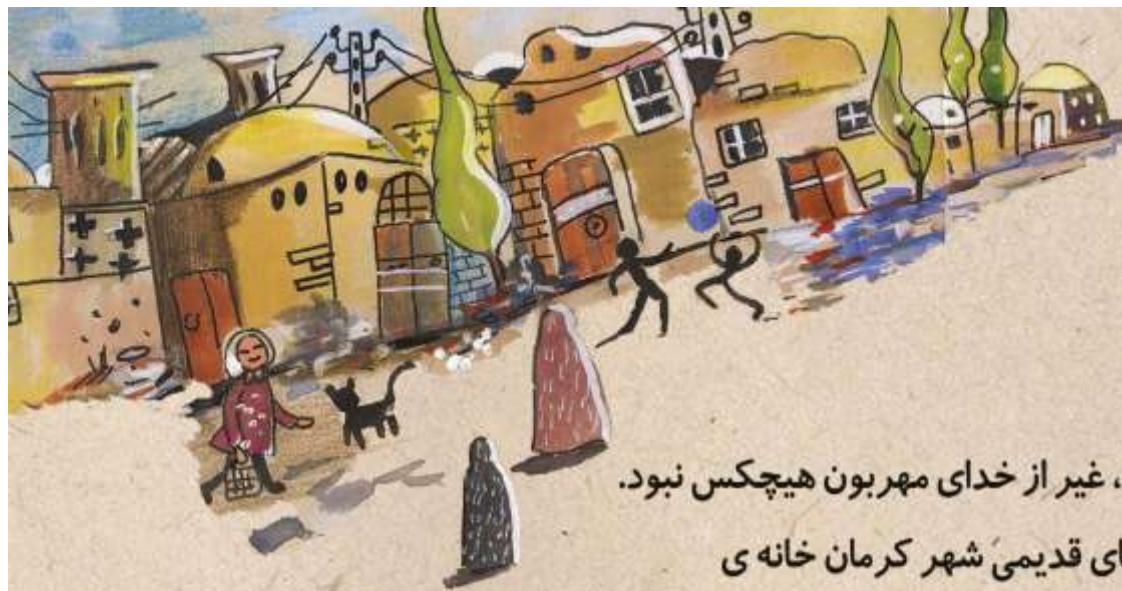
تقدیر و تشکر از:

آقایان: دکتر محسن بارونی - دکتر سعید صهبی - دکتر علی رضا مقبلی
دکتر سیرویس سالاری - دکتر سعادت رضازاده - مهندس مجید سلطانی
مهندس الیاس سلیمانی - مهندس سجاد عارضی
فانم‌ها: فاطمه بلالی - مهندس مینو مشایقی - دکتر امیره هشمت قواه
فتحیه امیری - لیلا قادری
و کلیه عزیزانی که ما را در تهیه این اثر یاری نموده اند.

بِ نَامِهِ

خاطرات محلی بی بی و نرگل





یکی بود یکی نبود، غیر از خدای مهریون هیچکس نبود.

در یکی از محله های قدیمی شهر کرمان خانه‌ی

بی بی مهربانی بود که نوه کوچکش نازگل، چند روزی مهمانش شده بود.

در محله‌ی بی بی خانه های قدیمی زیادی وجود داشت که کوچه های آن

محله، خاکی و پر از زباله بود.





همسایه ها در حیاط خانه هایشان مرغ و خروس و پرنده داشتند و
از حیوانات خانگی نگهداری می کردند. هیچ کس در محله بی بی
به فکر تمیزی و بهداشت خانه ها نبود.







یک روز از آن روزهای خوب خود خدا که نازگل داشت به مدرسه می‌رفت، توی راه چند تا سگ ولگرد را دید که به طرف نازگل می‌آمدند.

نازگل خیلی ترسید. چشمهاش را بست و دندانهاش را محکم روی هم فشر داد و سر جایش میخکوب شد و حرکت نمی‌کرد. ناگهان، صدای مهربانی گفت: «نترس دخترم، چشم‌هایت را باز کن، سگ‌ها رفتند.

آفرین به تو که وقتی سگ‌ها را دیدی هیچ حرکتی نکردی.»





نازگل آرام چشم هایش را باز کرد.

صاحب آن صدای مهربان کسی نبود جز پزشک مهربانی که تازه به
 محله‌ی بی بی آمده بود.

آقای دکتر که دید نازگل از ترس رنگ به صورت ندارد، به او گفت:
 اگر نازگل بخواهد می تواند تامدرسه همراهی اش کند.

در راه مدرسه، دکتر مهربان روی صورت نازگل، زخمی را دید و در
 مورد آن زخم از او سؤال کرد.

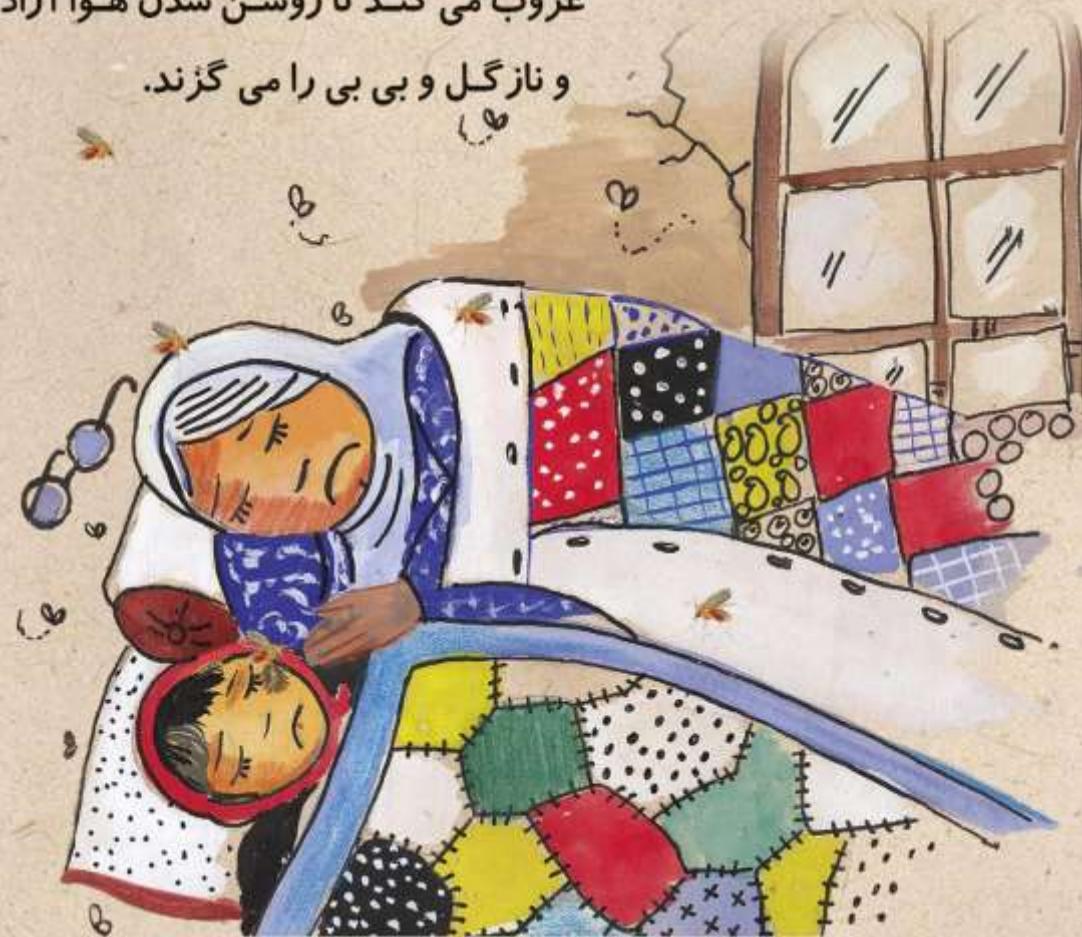
نازگل دانه های ریز روی دستش را هم به دکتر مهربان نشان
داد و گفت: «همه‌ی دوستانم می‌ترسند این زخم‌ها
واگیرداشته باشد.

برای همین هیچ کسی در مدرسه با من دوست نمی‌شود و با
من بازی نمی‌کند.» نازگل از دکتر مهربان در مورد حشرات
بسیار ریزی که بعداز ظهرها و شب‌ها او و بی بی رامی گزند،
سوال کرد.



آقای دکتر برای نازگل توضیح داد: «این حشرات خیلی کوچک، یک نوع پشه هستند که به آنها پشه خاکی می‌گویند. پشه خاکی‌ها روزهای در جاهای تاریک و مرطوب و دور از چشم ما مثل شکاف دیوارها، یا زیر تخت خواب، پشت قاب عکس و کمدها مخفی می‌شوند و از موقعی که آفتاب غروب می‌کند تا روشن شدن هوا آزادانه می‌چرخند

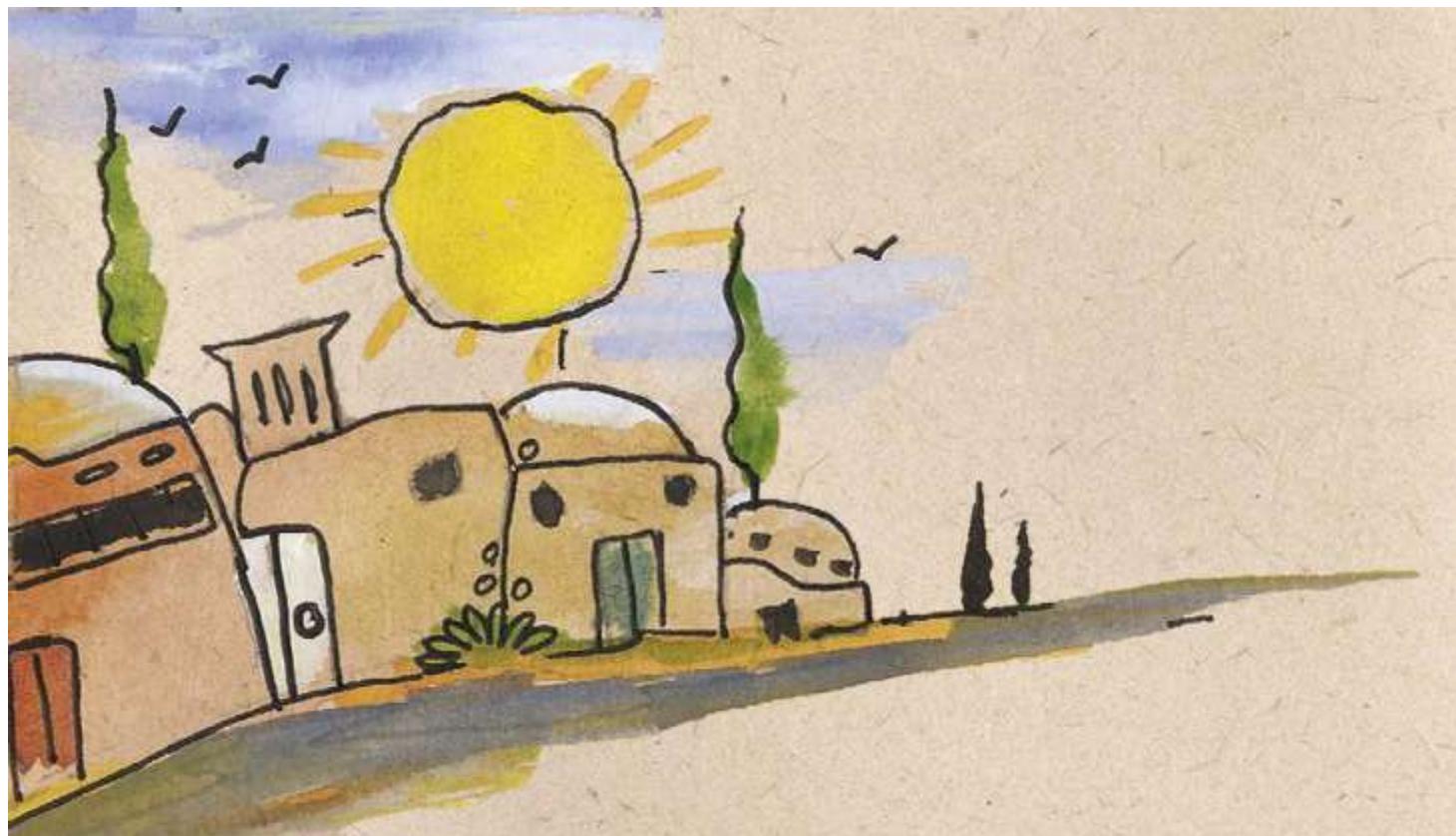
و نازگل و بی‌بی را می‌گزند.



آقای دکتر گفت: «پشه خاکی ها دوست دارند جاهایی زندگی کنند که زباله و نخاله های ساختمانی روی هم جمع شده باشند. آنها در محل زندگی دام ها و مرغ و خروس ها هم هستند. جاهایی که پشه خاکی زیاد است حتی سگ ها هم ممکن است سالک بگیرند.»

دکتر صورت نازگل را با دقیقیت بیشتری نگاه کرد و گفت: «ممکن است زخم روی صورتش و حتی دانه های روی دستش بیماری به اسم سالک باشد، پس تا دیر نشده زودتر باید آزمایش بدهد تا مطمئن شوند و برای درمانش کاری کنند.»





فردای آن روز نازگل به همراه بی بی به درمانگاه سالک رفت و همان
روز به او گفتند: «زخم روی دست و صورتش، سالک است و تا خوب
شدن آن باید چند هفته صبر کند و تحت درمان باشد.»

همینطور روی زخمش را مرتب پوشاند تا پشه خاکی ها بیماری سالک
را از روی زخم های نازگل به بی بی منتقل نکنند.



روز بعد اهالی با راهنمایی دکتر مهربان محله، توری خریدند و
پشت در و پنجره ها نصب کردند.

اهالی محله با کمک یکدیگر درز و شکاف دیوار خانه های
قدیمی را که محل زندگی پشه خاکی ها بود، پر کردند.



قرار شد خیلی زود حیوانات را هم از محل زندگی خود و بچه هایشان دور کنند. اهالی محله یاد گرفتند زباله هارا در کيسه های نایلونی بریزند تا کارگران زحمتکش شهرداری آن هارا از محله به خارج از شهر ببرند.



١٤



با راهنمایی های پزشک مهربان، حالا همه‌ی مردم محله می‌دانستند، باید موقع خوایدن یا هنگام بازی و یا نشستن در حیاط خانه بخصوص وقت غروب آفتاب از لباس‌هایی که تمام بدن را می‌پوشاند، استفاده کنند.

اگر هم روزی خواستند به مسافرت بروند یا در حیاط خانه شان بخوابند حتماً از پشه بند استفاده کنند یا پماد و اسپری‌های مخصوصی که پشه‌ها را فراری می‌دهد، روی پوستشان بزنند.

از روزهایی که نازگل مهمان خانه بی بود، سالها می گذرد. امروز در مدرسه خانم دکتر برای بچه ها از بیماری سالک تعریف می کند و می گوید: «در شهر کرمان، در خیابان شهید مصطفی خمینی (ره)، کوچه شماره ۲۰ (روبروی صدا و سیما) پایگاهی به نام پایگاه خدمات جامع سلامت شهید داوری وجود دارد که در آنجا بیماری سالک را رایگان معاينه، آزمایش و درمان می کنند.»

نازگل خانم، پزشک مرکز سالک، زخم کهنه‌ی روی صورت خودش را نشان بچه ها می دهد و از خاطرات محله بی بی و آقای دکتر برای بچه ها تعریف می کند و به بچه های مدرسه می گوید: «اگر روی بدن خود متوجه چیزی شبیه جوش شدند که بیشتر از ده روز روی پوستشان باقی مانده و خوب نمی شود، حتماً به پایگاه شهید داوری بروند تا تمام مراحل آزمایش و درمان آنها رایگان

انجام شود.»





دانشگاه علوم پزشکی
و خدمات بهداشتی درمانی کرمان
معاونت بهداشتی



ارتباط با ما :



(۰۳۴) ۳۱۲۱۵۷۴۰ - ۳۱۲۱۵۷۲۵ - ۳۳۲۱۰۶۰۸



۷۶۱۸۸۷۴۷۶۵



vchs.kmu.ac.ir